

استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران

یعقوب فروتن*

E-mail: y.foroutan@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۹

چکیده

جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری دینی، یک «استراتژی» تلقی می‌شود زیرا به عقیده اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان، یک جامعه یا گروه معین از مکانیسم جامعه‌پذیری به عنوان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی بهره می‌گیرد. این تحقیق نیز با استفاده از مدل عناصر چهارگانه فرآیند جامعه‌پذیری میچنز و همکاران (۱۹۹۰)، فرآیند جامعه‌پذیری دینی در ایران را کانون توجه قرار داده است. مطابق این مدل نظری، نظام آموزشی و متون درسی، منبع اصلی و موتور محرکه فرآیند جامعه‌پذیری محسوب می‌گردد. بر همین اساس، تحقیق حاضر مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی آموزه‌های مذهبی از طریق منابع آموزشی و درسی ایران را مورد مطالعه قرار داده است. در این تحقیق با استفاده از شیوه تحلیل محتوا، کلیه کتب درسی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و نمونه‌ای منتخب از کتاب‌های درسی دوره تحصیلی متوسطه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطابق یافته‌های این تحقیق، گرایش مذهبی در همه کتاب‌های درسی مورد مطالعه بسیار برجسته است؛ با این همه، بررسی‌های تطبیقی ادیان و مذاهب گوناگون نیز نشان دهنده تفاوت‌های معنی‌داری است. به علاوه، الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی مناسبات بین مذهب و جنسیت در کتاب‌های درسی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در مجموع، نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که نظام آموزشی و منابع درسی به عنوان یک ابزار مناسب «استراتژی جامعه‌پذیری» و مکانیسم رسمی بازنمایی «انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: استراتژی جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری دینی، نظام آموزشی، انسجام اجتماعی، استانداردهای فرهنگی.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول

مقدمه

مفهوم عام جامعه‌پذیری و اجزای آن مانند جامعه‌پذیری دینی از دیدگاه اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان نوعی استراتژی برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی تلقی می‌گردد. به عنوان مثال، کارولاین پلوس (۲۰۰۷) تأکید می‌کند که یک جامعه یا گروه معین از استراتژی جامعه‌پذیری استفاده می‌کند تا ویژگی‌های خود را به تازہ واردین منتقل نماید و بدین طریق جامعه اطمینان خاطر حاصل می‌کند که رفتار این تازه‌واردها انسجام اجتماعی و وحدت گروهی را به مخاطره نخواهد انداخت. جامعه‌شناس برجسته پیتر برگر (۱۹۶۷) نیز بر اهمیت استراتژی جامعه‌پذیری تأکید می‌نماید زیرا به عقیده وی، جهان معاصر در سیطره گروه‌های قدرتمندی است که برای تصاحب مکانیسم‌های فرآیند جامعه‌پذیری با همدیگر رقابت می‌کنند. به علاوه، جامعه‌پذیری دینی نیز همچون مفهوم کلی و عام جامعه‌پذیری یک فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است با این تفاوت که این یادگیری معطوف به یک جهان دینی و فضای مقدس است. به عنوان مثال، انسان‌ها به تدریج یک زبان دینی را فرا می‌گیرند که آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ویژه‌ای همچون خدا را درک نمایند، آنان یاد می‌گیرند که مکان‌های ویژه و مقدسی (مانند مسجد) وجود دارند که با مکان‌های دیگر مانند خانه تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که کتاب‌های ویژه و مقدسی (مانند قرآن) وجود دارند که با کتاب‌های دیگر تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که انسان‌های ویژه و مقدسی (مانند پیامبران و امامان) وجود دارند که با انسان‌های معمولی تفاوت دارند. به همین جهت، اینسکیپ (۱۹۸۸: ۱) جامعه‌پذیری هویت دینی را فرآیند آموزش و یادگیری تلقی می‌کند که از طریق آن انسان‌ها می‌آموزند جهان را به شیوه‌ای متفاوت نگاه کنند: «به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی». بر همین اساس، برخی دیگر از اندیشمندان مانند کورنوال (۱۹۸۷) نیز موضوع جامعه‌پذیری دینی را در این تعریف کوتاه خلاصه کرده‌اند که: جامعه‌پذیری دینی عبارت است از «پایه‌های اجتماعی دین». با اینهمه، ریشه‌های اجتماعی دین در تحقیق کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی دین تحت عنوان «صور اولیه حیات دینی» توسط امیل دورکیم (۱۹۱۲) مورد مطالعه و تأکید قرار گرفته است.

طرح مسئله و اهداف تحقیق

به‌طور کلی، فرآیند جامعه‌پذیری دینی و ارتباط آن با سیستم آموزشی و متون درسی

محور مباحث این مقاله است. بدین ترتیب، توجه همزمان به دو موضوع اصلی (یکی، دین و فرآیند جامعه‌پذیری دینی، و دیگری، منابع آموزشی) بر اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر می‌افزاید: از یک‌سو، دین عنصر معنابخشی به وجود انسان و جهان محسوب می‌شود. به عنوان مثال، جامعه شناس معاصر، پیتر برگر، معتقد است که انسان‌ها به جهت ناقص بودن ساختار غریزی شان، در طی قرون تلاش کرده‌اند تا از طریق دین، وجود خود و جهان را معنادار سازند (به نقل از: حسن‌زاده و علمی، ۱۳۸۶). ضمن آن‌که، دین یکی از بنیادی‌ترین عناصر فرآیند جامعه‌پذیری نیز تلقی می‌شود که در بخش بعدی با تفصیل بیشتری به آن پرداخته می‌شود. از سوی دیگر، سیستم آموزش مدرسه‌ای و منابع درسی آن یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده در فرآیند جامعه‌پذیری افراد تلقی می‌شود (برای مطالعه تفصیلی، نگاه کنید به: فروتن ۱۳۸۹، ۱۳۹۰).

بدین ترتیب، با توجه به نقش اساسی دین در زندگی فردی و اجتماعی و هم‌چنین برپایه جایگاه منحصر به فرد نظام آموزش مدرسه‌ای در فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی، ضرورت دارد که ابزار اصلی آموزش آن یعنی کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته و محتوای این کتاب‌ها از نقطه نظر چگونگی بازنمایی آموزه‌های مذهبی مورد مطالعه قرار گیرد. به علاوه، منابع درسی مدارس در سال‌های اخیر دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای شده است (ایمانی و مظفر، ۱۳۸۳؛ افشانی و همکاران، ۱۳۸۸). به همین سبب، ضرورت دارد تحقیقات و مطالعات جدیدتری نیز در خصوص محتوای منابع درسی از جمله در زمینه چگونگی انعکاس آموزه‌های دینی در این کتاب‌ها انجام گیرد. بر همین اساس، هدف محوری تحقیق این است که با استفاده از جدیدترین متون درسی مدارس، یافته‌های جدیدتر و تفصیلی‌تری را در راستای پاسخگویی به پرسش‌های کلیدی این تحقیق ارائه نماید که متون درسی مدارس چه چیزهایی را درباره دین و مسائل دینی به کودکان و نوجوانان ما یاد می‌دهند؟ مهم‌ترین و برجسته‌ترین الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی آموزه‌های مذهبی در کتاب‌های درسی کدامند؟ گفتنی است که در جوامعی از جمله در کشور ما که نظام آموزشی آنها غالباً در چارچوب کتاب محوری محدود می‌شوند، اهمیت و ضرورت طرح چنین پرسش‌هایی و انجام چنین تحقیقاتی به مراتب بیشتر است زیرا در چنین جوامعی، منابع درسی مدارس نقش به مراتب تعیین‌کننده‌تری در فرآیند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان ایفا می‌نمایند.

مروری بر ادبیات تحقیق

به‌طور کلی، تحقیقات پیشین به نقش اساسی دین در فرآیند جامعه‌پذیری تأکید می‌کنند. به عنوان مثال، میچنز و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند برای این که بتوانیم به شناخت بهتری نسبت به فرآیند جامعه‌پذیری دست یابیم باید حداقل چهار عنصر را مورد توجه قرار دهیم: منبع جامعه‌پذیری (که می‌تواند شخص یا نهاد آموزشی باشد)، فرآیند آموزش و یادگیری، هدف (که همان افرادی هستند که قرار است جامعه‌پذیر شوند)، نتیجه و محصول فرآیند جامعه‌پذیری. تحقیقات انجام شده در حوزه جامعه‌شناسی دین نشان می‌دهد که دین یکی از مهم‌ترین منابع فرآیند جامعه‌پذیری است. مطابق این تحقیقات، خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، و افکار عمومی از دیگر منابع فرآیند جامعه‌پذیری هستند که هر یک نقش کلیدی در زندگی هر یک از افراد جامعه ایفا می‌کنند و تأثیرات خود را به شیوه‌های گوناگون و در زمان‌های مختلف اعمال می‌کنند (پوتوین و لی، ۱۹۸۲؛ براون و گری ۱۹۹۱، رگنوروس، ۲۰۰۰). به‌طور مشخص، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای نیز در حوزه جامعه‌پذیری دینی انجام گرفته است. به عنوان مثال، کولت سابی (۲۰۰۷) معتقد است که منابع اصلی و سنتی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی عبارتند از مدارس، خانواده و مؤسسات و نهادهای دینی (مانند مساجد). به علاوه، نتایج تحقیق هیمل فارب (۲۰۰۵) در زمینه فرآیند جامعه‌پذیری دینی در میان گروه‌های مذهبی در امریکا نشان داد که چهار عنصر اصلی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی عبارتند از: خانواده (در واقع، تأثیر والدین بیشتر نوعی تأثیر غیرمستقیم است تا تأثیر مستقیم)، آموزش دینی در مدرسه (که به‌طور چشمگیری هم دارای تأثیر مستقیم هم تأثیر غیرمستقیم است)، تجربیات دوره کودکی، تجربیات دوره بزرگسالی. نتایج تحقیق هانسبرگر و براون (۱۹۸۴) بر روی ۸۳۸ دانشجوی رشته روانشناسی نشان داد که از نقطه نظر این پاسخگویان، خانه و خانواده عنصر و منبع مهمی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی است. آنان معتقدند که والدین، به ویژه مادر، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری مذهبی و فرآیند جامعه‌پذیری دینی دارند. این الگو می‌تواند یادآور وضعیت مثال زدنی ماکس وبر و نقش کلیدی مادرش در تربیت دینی وبر باشد که بعدها در نظریه‌های ماکس وبر در حوزه جامعه‌شناسی دین از جمله اثر مشهورش تحت عنوان «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» نقش مهمی ایفا کرد. نتایج یک تحقیق اخیر (هامپلووا و نسپور، ۲۰۰۹) نیز بر اهمیت فزاینده فرآیند جامعه‌پذیری دینی تأکید می‌کنند. نتایج این تحقیق در جمهوری چک نشان داد که، در مقایسه با عوامل اجتماعی و

جمعیت‌شناختی، جامعه‌پذیری دینی یک فرد نقش به مراتب مهم‌تری در تعیین نوع و کیفیت جهان‌بینی وی دارد. در عین حال، برخی محققان مانند پوتوین و لی (۱۹۸۲) خاطر نشان می‌سازند که اگرچه الگوی جامعه‌پذیری دینی به خوبی و به میزان زیادی در مطالعات و تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است، اما این نکته نیز بسیار مهم است که همواره باید محیط‌های اجتماعی گوناگون و تجربیات شخصی گوناگون در زمینه جامعه‌پذیری دینی را مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال، نتایج یک تحقیق در خصوص مناسبات بین دین و جنسیت (فروتن، ۲۰۰۸) نشان داد که الگوهای اشتغال زنان مسلمان متعلق به نقاط مختلف جهان به‌طور معنی‌داری تابعی از جوامع و محیط‌های فرهنگی متعددی است که فرآیند جامعه‌پذیری آنان را شکل داده است.

به علاوه، مطالعات و تحقیقات قابل ملاحظه‌ای در زمینه نقش سیستم‌های آموزشی و منابع درسی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی و ارتباط بین دین و مدرسه صورت گرفته است. به عنوان مثال، نتایج تحقیقات جارویس (۱۹۷۴) در بریتانیا نشان داد که فضای دینی و معنوی حاکم بر کلاس‌های درس و مجموعه مدرسه از اهمیت زیادی در فرآیند جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان برخوردار است. در تحقیق دیگری در خصوص هویت دینی در کتاب‌های کودکان و نوجوانان در ترکیه، ساکتانبر (۱۹۹۱) به یافته‌های مهمی دست یافت. به عنوان مثال، وی دریافت که دین اسلام در این کتاب‌ها (به ویژه در داستان‌ها) همواره نقش محوری را برعهده دارد. مطابق تحقیقات رگنوروس (۲۰۰۰)، جامعه‌پذیری دینی ارتباط تنگاتنگ و مثبتی با پیشرفت تحصیلی دارد. وی نشان داد که مشارکت افراد در فعالیت‌های مذهبی، انتظارات آموزشی آنان را ارتقاء می‌بخشد و موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را به‌طور معنی‌داری افزایش می‌دهد به طوری که این قبیل دانش‌آموزان حتی در دروسی مانند ریاضیات نیز موفقیت بالاتر از حد استاندارد و معمولی را کسب کردند.

در زمینه بازنمایی مقوله‌های دین و مذهب در متون درسی و آموزشی، مجموعه‌ای از تحقیقات نیز در ایران انجام یافته است که عمدتاً معطوف به کتاب‌های درسی دینی می‌باشند. به عنوان مثال، نتایج تحقیق حکیم‌زاده و موسوی (۱۳۸۷) مبتنی بر تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوره راهنمایی نشان می‌دهد که ارزش‌های دینی مرتبط با مقوله‌های اعتقادی و عبادی غلبه چشمگیری در این کتاب‌های درسی دارند، درحالی‌که ارزش‌های دینی مرتبط با مقوله‌های اجتماعی اخلاقی و اقتصادی کمتر در این کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته است. در تحقیق دیگری در زمینه برنامه‌های درسی تربیت

دینی دوره متوسطه، مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) نشان داده‌اند که این برنامه‌های درسی از کارآمدی مناسب در راستای تربیت دینی دانش‌آموزان برخوردار نیستند و به همین جهت بازنگری در الگوی آموزش دینی در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان را مورد تأکید قرار داده‌اند. در همین خصوص می‌توان به نتایج تحقیقاتی اشاره کرد که می‌توانند به عنوان مبنا و معیاری علمی به منظور ارزشیابی این گونه آموزش‌های دینی رسمی دانش‌آموزان در زندگی فردی آنان در آینده مورد توجه و استفاده برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرند. به عنوان نمونه، نتایج تحقیق شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۵) در زمینه وضعیت دینداری در بین دانشجویان نشان داده است که پاسخگویان در ابعاد اعتقادات دینی و اخلاق و تکالیف فردی، بیشترین نمره و در حوزه عبادات فردی و جمعی و دانش دینی کمترین نمره را کسب کرده‌اند. در تحقیق دیگری، محتوای کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است (میر عارفین، ۱۳۸۶). نتایج این تحقیق نشان داده است که اگرچه تناسب قابل توجهی بین محتوای کتاب و مؤلفه‌های مورد نظر به چشم می‌خورد، در عین حال همچنان زمینه‌هایی برای اصلاح و کیفیت بخشی مباحث و موضوعات این کتاب دینی وجود دارد. گفتنی است که ارزشیابی چنین آموزش‌های دینی رسمی را باید در طیف گسترده‌تری مشتمل بر انواع متعدد وسایل ارتباطات اجتماعی جستجو کرد. به عنوان مثال، نتایج تحقیق ارزشیابی پویانمایی‌های دینی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (موسی پور و درتاج، ۱۳۸۷) نشان داده است که استفاده از اغراق، فانتزی و تکرار در پویانمایی‌های مذهبی بیش از حد مقبول بوده است. به علاوه، نتایج یک تحقیق دیگر در مقوله دینی مهم پوشش و حجاب زنان در رسانه سینمای پس از انقلاب اسلامی نشان داده است که الگوهای بازنمایی نوع پوشش زنان در این وسیله ارتباط جمعی دستخوش تغییراتی شده است به طوری که بازنمایی هژمونیک‌ساز پوشش زنان به تدریج سیر نزولی طی کرده و جای خود را به عدم تمایل به چادر و غلبه سایر انواع پوشش و حجاب زنان داده است (جوادی یگانه و هاتفی، ۱۳۸۷).

چارچوب تئوریک تحقیق

این تحقیق مبتنی بر تئوری جامعه‌پذیری است که از سوی طیف گسترده‌ای از اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. از دیدگاه این صاحب‌نظران، فرآیند جامعه‌پذیری متأثر از زبان است زیرا درک و شناخت

افراد در جامعه به کمک زبان امکان‌پذیر می‌گردد. به عنوان مثال، جورج هربرت مید (۱۹۳۴) معتقد است که بچه‌ها از طریق زبان و کنش متقابل نمادی به یک «خود اجتماعی» دست می‌یابند. این ایده اصلی که پیش‌تر از سوی چارلز هورتون کولی (۱۹۰۲) و سایپر (۱۹۲۹) نیز مطرح شده بود، بعدها نیز توسط نظریه‌پردازان دیگری همچون وورف (۱۹۵۶)، اونس و داویس (۲۰۰۰) و تایلور (۲۰۰۳) توسعه و تکامل یافت. بر همین اساس، صاحب‌نظران تئوری جامعه‌پذیری بر روی نقش کلیدی زبان در فهم واقعیات و فرآیند جامعه‌پذیری تأکید می‌نمایند و این پرسش مهم را مطرح می‌کنند که «باید دید بچه‌ها از زمانی که خواندن را یاد می‌گیرند، چه چیزهایی را می‌آموزند؟». این نکته نشان دهنده نقش بسیار مهم کتاب‌های بچه‌ها در شکل‌گیری خود اجتماعی و فرآیند جامعه‌پذیری آنان می‌باشد. بدین ترتیب، مطابق تئوری جامعه‌پذیری، زبان‌آموزی و یادگیری خواندن به عنوان بخش بسیار مهم فرآیند جامعه‌پذیری است که از طریق آن فرهنگ جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد زیرا از دیدگاه صاحب‌نظران این تئوری، کتاب‌های بچه‌ها جهان کوچکی از فرهنگ جامعه را ارائه می‌دهند که بچه‌ها از طریق آن با ارزش‌ها و اعتقادات جامعه آشنا می‌شوند. به عنوان مثال، اندیشمندان معاصر این نظریه مانند اونس و داویس (۲۰۰۰) و تایلور (۲۰۰۳) به جایگاه منحصر به فرد مدارس (به عنوان مراکز رسمی آموزش کودکان و نوجوانان) در فرآیند جامعه‌پذیری اشاره می‌کنند زیرا به عقیده آنان، مدارس یک تجربه اجتماعی هستند که در آنها نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی منتقل می‌شوند و کتاب‌های درسی مهم‌ترین ابزارهایی تلقی می‌شوند که این کار انتقال را برعهده دارند. در همین چارچوب، مبانی نظری تحقیق بر این اصل استوار است که الگوها و ویژگی‌های مرتبط با ماهیت شناخت و کنش‌های دینی نیز نوعی ویژگی‌های اکتسابی و محقق (و نه ویژگی‌های محول) هستند که مطابق استانداردها و انتظارات فرهنگ جامعه و براساس فرایندی که اصطلاحاً فرآیند جامعه‌پذیری نامیده می‌شود، بتدریج شکل گرفته، تکامل یافته و نهادینه می‌شوند. به علاوه، این فرآیند بیش از هر زمان دیگری در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و به همین جهت، کتاب‌های درسی مدارس نقش ممتازی در نهادینه کردن فرآیند جامعه‌پذیری به‌طور عام و آموزه‌های دینی به‌طور خاص برعهده دارند که موضوعات مورد توجه این تحقیق نیز می‌باشند.

مبانی روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

معمولاً تکنیک تحلیل محتوی به عنوان مناسب‌ترین روش در مطالعات و تحقیقات کمی مرتبط با منابع و داده‌های کیفی به ویژه منابع مکتوب و تصویری مثل کتب درسی و یا سایر اشکال و وسایل ارتباطات اجتماعی توصیه شده است (برگ، ۲۰۰۱ و تایلور، ۲۰۰۳). بر همین اساس، در تحقیق حاضر نیز از این روش استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه کتب درسی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و متوسطه است که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ در مدارس ایران تدریس شده‌اند. در این تحقیق، کلیه کتب درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که مجموعاً شامل ۳۶ جلد کتاب درسی در دوره ابتدایی و ۳۷ جلد کتاب درسی در دوره راهنمایی می‌باشد. در دوره متوسطه، با توجه به تنوع و تعدد رشته‌های تحصیلی و کتب درسی ویژه هر یک از رشته‌های تحصیلی، کتاب‌هایی برای نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند که یا دروس عمومی برای تمامی رشته‌های تحصیلی محسوب می‌شوند و یا این‌که کمابیش در بسیاری از رشته‌های تحصیلی تدریس می‌شوند. بر همین اساس، نمونه تحقیق در دوره دبیرستان مجموعاً شامل ۱۹ جلد کتاب درسی (مشمول بر ۳ جلد کتاب دین و زندگی، ۳ جلد کتاب زبان انگلیسی، ۸ جلد کتاب زبان و ادبیات فارسی، و ۵ جلد کتاب زبان عربی) می‌باشد. بدین ترتیب، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق مجموعاً بر روی ۹۲ جلد کتاب درسی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه انجام می‌گیرد. با توجه به نقش محوری دین در مطالعه حاضر، عناوین کتاب‌های درسی در این تحقیق به دو دسته اصلی تقسیم شده است: «کتاب‌های دینی» (شامل کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، تعلیمات دینی، دین و زندگی، آموزش قرآن) و «سایر کتاب‌های درسی» (شامل کلیه کتاب‌های درسی مورد مطالعه در این تحقیق که جزو کتاب‌های دینی محسوب نمی‌شوند).

نتایج و یافته‌های تحقیق

در این بخش، مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق به‌قرار زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱. الگوهای بازنمایی تصاویر دینی و مذهبی

هم‌چنان‌که در تحقیقات پیشین تأکید شده است، تصاویر و شکل‌ها در کتب درسی تأثیر به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از متن این کتاب‌ها بر روی مخاطبان دارند (لوو و شرارد، ۱۹۹۹). در همین چارچوب و با توجه به نقش محوری دین در این تحقیق، آن دسته از

تصاویر کتاب‌های درسی که محتوای مذهبی دارند (که در این جا، از آنها تحت عنوان «تصاویر مذهبی» نام برده می‌شود)، در قالب چهار گروه اصلی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند: «تصاویر وضو و نماز»، «تصاویر دعا و مناجات»، «تصاویر چهره‌ها و شخصیت‌های مذهبی» و «تصاویر اماکن و ابنیه مذهبی». نتایج این تحقیق (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که تصاویر مذهبی نزدیک به یک دهم کل تصویرهای کتاب‌های درسی مورد مطالعه را دربرمی‌گیرند. در عین حال، این میزان به طور کاملاً معنی‌داری تابعی از نوع کتاب‌های درسی است: در حدود یک سوم تصاویر در کتاب‌های دینی و تنها ۵ درصد تصاویر در سایر کتاب‌های درسی را تصاویر مذهبی تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، رایج‌ترین نوع تصاویر مذهبی در کتاب‌های درسی، «تصاویر چهره‌های مذهبی» است (حدود ۴۰ درصد). سپس، «تصاویر عبادت» (اعم از تصاویر دعا و مناجات و وضو و نماز) نزدیک به یک سوم تصاویر مذهبی در کتاب‌های مورد مطالعه را شامل می‌شود. در ضمن، حدود یک پنجم تصاویر مذهبی در کتاب‌های درسی مورد مطالعه نیز «تصاویر اماکن و ابنیه مذهبی» می‌باشند. به علاوه، اگرچه شکل غالب تصاویر مذهبی هم در کتاب‌های دینی هم در سایر کتاب‌های درسی، «تصاویر چهره‌ها و شخصیت‌های مذهبی» است، اما این غلبه به طور پررنگ‌تری در سایر کتاب‌های درسی بازنمایی شده است زیرا همچنان نسبت چشمگیری از تصاویر مذهبی در کتاب‌های دینی به «تصاویر عبادت» اختصاص یافته است. در واقع، تصاویر عبادت در کتاب‌های دینی دو برابر نسبت آن در سایر کتاب‌های درسی است (به ترتیب، ۴۰ و ۲۰ درصد).

تجزیه و تحلیل این الگوها به تفکیک مقاطع تحصیلی نشان می‌دهد که در کتب درسی دوره ابتدایی، انواع متعدد تصاویر مذهبی به طور نسبتاً متعادل تر و یکنواخت‌تری بازنمایی شده‌اند، درحالی‌که در کتب درسی مقاطع راهنمایی و دبیرستان، این تعادل و یکنواختی جای خود را به تراکم و تمرکز بر روی انواع خاص تصاویر مذهبی می‌دهد. نکته مهم دیگر مربوط به روند نزولی بسیار چشمگیر «تصاویر عبادت» بر حسب مقاطع تحصیلی است: در مقطع ابتدایی، نسبت چشمگیری از تصاویر مذهبی (حدود ۴۰ درصد) مربوط به «تصاویر عبادت» است درحالی‌که این نوع تصاویر در کتب مقاطع تحصیلی بالاتر به طور معنی‌داری کاهش می‌یابد و به حدود ۲۰ درصد می‌رسد و در عوض، بر نسبت «تصاویر چهره‌های مذهبی» و «تصاویر اماکن و ابنیه مذهبی» افزوده می‌شود. این روند نزولی حتی در کتب دینی نیز مشاهده می‌شود. این الگو را می‌توان تاحدودی این‌گونه تبیین کرد که با توجه به تناسب یادگیری واجبات دینی و اسلامی

(مانند وضو و نماز) با سن افراد، ضرورت آموزش این قبیل واجبات دینی در سنین دبستان بیشتر احساس شده و به همین جهت به طور برجسته‌تر و پررنگ‌تری نیز در کتب درسی دوره دبستان به تصویر کشیده شده است. به طور مشخص‌تر، این تبیین با چگونگی بازنمایی و توزیع «تصاویر وضو و نماز» در کتب درسی ابتدایی به تفکیک پایه تحصیلی نیز همخوانی دارد و تأیید می‌گردد. بدین معنا که غلبه تصاویر آموزش‌های دینی وضو و نماز در کتاب‌های درسی پایه‌های اول به ویژه پایه سوم دبستان برجسته‌تر می‌گردد زیرا انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در چنین سنی دانش و آگاهی لازم را در زمینه واجبات دینی به ویژه وضو و نماز داشته باشند. بدین ترتیب، این الگو به بهترین و ساده‌ترین شکل ممکن، نمونه بسیار روشنی را از چگونگی بازنمایی انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی (اونس و داویس، ۲۰۰۰؛ تیلور، ۲۰۰۳) به کمک مکانیسم‌های رسمی جامعه‌پذیری دینی (یعنی، آموزش مدرسه‌ای و کتاب‌های درسی) ارائه می‌نماید.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و نسبی تصاویر مذهبی به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی و عنوان کتاب‌های درسی

تصاویر دینی و مذهبی						نسبت تصاویر مذهبی به کل تصاویر کتاب	مقطع و پایه تحصیلی
فراوانی جمع	سایر موارد	مذهبی مذهبی	مذهبی آمار	مذاهب دین و	وضو و نماز		
							کلیه دوره‌های تحصیلی
۳۳۷	۱۵/۱	۳۳/۵	۱۱/۳	۱۹/۶	۲۰/۵	۳۴/۸	کتاب‌های درسی دینی
۴۴۱	۷/۲	۴۴/۱	۲۷/۲	۱۲/۲	۹/۳	۵/۳	سایر کتاب‌های درسی
۷۷۸	۱۲	۳۹/۳	۱۹/۱	۱۵/۴	۱۴/۲	۸/۳	جمع
							دوره تحصیلی ابتدایی
۲۸۰	۱۷/۱	۳۰/۴	۱۱/۴	۲۰	۲۱/۱	۳۳/۶	کتاب‌های درسی دینی
۱۵۵	۵/۸	۲۹	۳۴/۲	۱۹/۴	۱۱/۶	۳/۴	سایر کتاب‌های درسی
۴۳۵	۱۳/۱	۲۹/۹	۱۹/۵	۱۹/۸	۱۷/۷	۸/۱	جمع
۶۸	۳۳/۸	۱۶/۲	۲۲/۱	۱۱/۸	۱۶/۱	۶/۱	پایه اول
۶۵	۰	۳۲/۳	۲۰	۳۵/۴	۱۲/۳	۱۰/۱	پایه دوم
۱۳۷	۸	۳۴/۳	۱۳/۱	۱۵/۳	۲۸/۵	۸/۱	پایه سوم
۶۸	۱۴/۷	۳۰/۹	۱۱/۸	۳۰/۹	۱۱/۸	۵/۹	پایه چهارم
۹۷	۲۲/۷	۳۰/۹	۲۱/۶	۱۳/۴	۱۱/۴	۱۲/۵	پایه پنجم

دوره تحصیلی راهنمایی							
۴۴	۰	۴۷/۷	۱۱/۴	۲۲/۷	۱۸/۲	۳۸/۹	کتاب‌های درسی دینی
۱۷۹	۰	۵۴/۷	۳۰/۲	۵	۱۰/۱	۴/۹	سایر کتاب‌های درسی
۲۲۳	۰	۵۳/۳	۲۶/۵	۸/۵	۱۱/۷	۶	جمع
۵۸	۰	۵۵/۲	۱۹	۱۵/۵	۱۰/۳	۵/۲	سال اول
۷۶	۰	۲۷/۶	۴۴/۷	۱۰/۵	۱۷/۲	۵/۴	سال دوم
۸۹	۰	۷۴	۱۵/۷	۲/۲	۷/۹	۷/۲	سال سوم
دوره تحصیلی متوسطه							
۱۳	۲۳/۱	۵۳/۸	۷/۷	۰	۱۵/۴	۵۶/۵	کتاب‌های درسی دینی
۱۰۷	۲۱/۵	۴۷/۷	۱۲/۱	۱۴	۴/۷	۵۰	سایر کتاب‌های درسی
۱۲۰	۲۱/۷	۴۸/۵	۱۱/۷	۱۲/۵	۵/۸	۵۰/۶	جمع
۵۴	۲۴	۶۳	۵/۵	۱/۹	۵/۶	۵۲/۴	سال اول
۱۲	۰	۴۱/۷	۲۵	۱۶/۷	۱۶/۷	۳۲/۴	سال دوم
۵۴	۲۵/۹	۳۳/۳	۱۴/۸	۲۲/۳	۳/۷	۵۵/۷	سال سوم

۲. واژه‌ها و مفاهیم کلیدی دینی و مذهبی

در این تحقیق، چگونگی بازنمایی یک مجموعه دهگانه از مهم‌ترین مفاهیم و واژه‌های دینی و مذهبی در کتب درسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این مجموعه دهگانه شامل واژه‌های خدا، نماز، روزه، حضرت محمد(ص)، اسامی سایر پیامبران اولوالعزم، اسامی سایر انبیای الهی، قرآن، اسامی سایر کتب آسمانی، اسامی امامان، و مفاهیم دینی ویژه (مانند بهشت، فرشتگان، جهنم) می‌شود. یافته‌های این تحقیق (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که به‌طور کلی، از میان این ده دسته واژه‌های کلیدی دینی مذهبی (که مجموعاً ۸۸۴۱ بار در کتب درسی ذکر و تکرار شده‌اند)، بیشترین نسبت مربوط به کلمه «خدا» و یا معادل‌های آن (مانند رب، پروردگار، الله، خداوند) می‌باشد (در حدود ۴۲ درصد). در مرتبه دوم (یعنی، پس از واژه خدا)، بیشترین نسبت مربوط به کلمه «قرآن» می‌باشد که ۱۳ درصد این مجموعه دهگانه را تشکیل می‌دهد. سپس، کلمه‌های مربوط به «حضرت محمد(ص)» و «اسامی امامان شیعه» قرار می‌گیرند که حدود ۱۲ درصد کل این مجموعه دهگانه واژه‌های دینی مذهبی مربوط به هر یک از این دو دسته کلمات می‌باشد. واژه‌های دینی ویژه (مانند بهشت، فرشتگان، جهنم)، و واژه‌های «نماز و روزه»

نیز به ترتیب در حدود ۸ و ۵ درصد این مجموعه دهگانه را شامل می‌شوند. نسبت باقیمانده (حدود ۸ درصد) نیز مربوط به اسامی سایر انبیا و سایر کتب آسمانی می‌باشد. تجزیه و تحلیل الگوهای کلی یاد شده بر حسب مقاطع تحصیلی بیانگر این نکته اصلی است که در کتب درسی تمامی مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، همچنان بیشترین فراوانی مربوط به کلمه «خدا» و معادل‌های آن می‌باشد. علاوه بر این، مطالعه این الگوها به تفکیک دو نوع اصلی کتب درسی نشان دهنده نکته‌های قابل توجهی است. اول آن‌که، برجسته‌ترین تشابه بین این دو دسته کتاب‌ها این است که واژه «خدا» به‌طور کاملاً محسوسی هم در کتب دینی و هم در سایر کتب درسی به بیشترین میزان، ذکر و تکرار شده است به‌طوری‌که در کتب دینی حدود یک سوم و در سایر کتب درسی حدود نیمی از کل مجموعه دهگانه واژه‌های مذهبی مورد مطالعه در این تحقیق مربوط به کلمه «خدا» و معادل‌های آن می‌باشد. دوم آن‌که، اگرچه تعداد کتب دینی مورد مطالعه در این تحقیق کمتر از تعداد سایر کتب درسی است، با این همه، هر یک از کلمات مربوط به مجموعه دهگانه واژه‌های مذهبی به تعداد دفعات بیشتری در کتب دینی ذکر شده‌اند تا در سایر کتب درسی. یک مورد استثنا در این خصوص، واژه «خدا» است که تنها واژه مذهبی محسوب می‌شود که به دفعات بیشتری در سایر کتب درسی ذکر و تکرار شده است تا در کتب دینی. سوم آن‌که، تجزیه و تحلیل این الگوها به تفکیک مقاطع تحصیلی نشان می‌دهد که الگوهای کلی فوق‌الذکر کمابیش در کتب درسی تمامی مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مصداق دارد. چهارم آن‌که، برجسته‌ترین الگو در خصوص یافته‌های این تحقیق به تفکیک پایه تحصیلی مربوط به حضور فزاینده «خدا» در کتب درسی دوره ابتدایی است: به موازات افزایش پایه تحصیلی دبستان، واژه «خدا» به‌طور کاملاً چشمگیر و فزاینده‌ای در این کتب درسی ذکر و تکرار می‌شود.

به علاوه، تجزیه و تحلیل‌های تطبیقی این تحقیق در خصوص چگونگی بازنمایی و توزیع واژه‌های مرتبط با پیامبران الهی و کتب آسمانی در کتب درسی مورد مطالعه، چند نکته اساسی را نشان می‌دهد. نکته اول آن‌که، به‌طورکلی، از مجموع تعداد دفعاتی که اسامی پیامبران خدا در کتب درسی مورد مطالعه، ذکر و تکرار شده است (یعنی ۱۷۱۳ بار)، بیش از نیمی از آن به پیامبر اسلام «حضرت محمد(ص)»، حدود یک چهارم آن به سایر پیامبران اولوالعزم و نسبت باقیمانده (حدود ۱۵ درصد) نیز به سایر انبیای الهی اختصاص یافته است. در واقع، تعداد دفعاتی که اسامی امامان شیعه در کتب

درسی ذکر و تکرار شده است نیز به مراتب بیشتر از تعداد دفعاتی است که اسامی سایر پیامبران (اعم از اولوالعزم و سایر انبیاء) در این کتاب‌ها ذکر شده است. نکته دوم آن‌که، تجزیه و تحلیل چگونگی بازنمایی «اسامی کتب آسمانی» در کتب درسی مورد مطالعه نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۲۴ بار که اسامی کتب آسمانی در کتب درسی ذکر و تکرار شده است، ۹۶ درصد آن مربوط به واژه «قرآن» و ۴ درصد باقیمانده مربوط به «اسامی سایر کتب آسمانی» می‌باشد. نکته سوم آن‌که، الگوهای یاد شده هم در کتب دینی و هم در سایر کتب درسی حاکم است. هرچند، این دو الگو به‌طور محسوس‌تری در کتب دینی مشاهده شده است تا در سایر کتب درسی. نکته چهارم آن‌که، در کتب درسی کلیه مقاطع ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان، واژه «قرآن» به دفعات بسیار بیشتری ذکر و تکرار شده است تا «اسامی سایر کتب آسمانی». در ضمن، در کلیه مقاطع تحصیلی، این الگو در کتب دینی به‌طور بارزتری بازتاب یافته است تا در سایر کتب درسی. در عین حال، نتایج این تحقیق در این خصوص در مقطع ابتدایی بیشتر قابل تأمل به نظر می‌رسد. در کتب درسی مقطع ابتدایی، ۲۵۶ بار واژه «قرآن» و تنها ۲ بار «اسامی سایر کتب آسمانی» ذکر و تکرار شده است. نکته مهم‌تر آن‌که، در کتب دینی مقطع ابتدایی، ۲۳۸ بار واژه «قرآن» ذکر و تکرار شده است، اما تقریباً ذکری از «اسامی سایر کتب آسمانی» به میان نیامده است. این نکته از آن جهت بیشتر قابل تأمل است که عنوان کتب دینی در مقطع ابتدایی، «هدیه‌های آسمانی» است.

جدول شماره ۲: توزیع نسبی و فراوانی کلمات و واژه‌های کلیدی دینی و مذهبی به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی و عنوان کتاب‌های درسی

مقطع و پایه تحصیلی	فردا	نماز	روزه	محمد (ص)	حضرت	اولوالعزم	سایر پیامبران	سایر انبیاء	قرآن	آسمانی	سایر کتب	امامان شیعه	دینی ویژه	واژه‌های
کلیه دوره‌های تحصیلی														
کتاب‌های درسی دینی (%)	۴۸/۱	۶۸/۵	۸۷/۸	۶۷	۶۷	۵۲/۶	۵۸/۳	۷۸/۵	۶۸	۵۴/۸	۶۶/۱			
سایر کتاب‌های درسی (%)	۵۱/۹	۴۱/۵	۱۲/۲	۳۳	۳۳	۵۷/۴	۴۱/۷	۲۱/۵	۳۲	۵۵/۲	۳۳/۹			
جمع فراوانی	۳۶۷۲	۴۱۶	۴۹	۱۰۴۱	۱۰۴۱	۴۴۹	۲۲۳	۱۱۷۴	۵۰	۱۰۹۴	۶۷۳			
دوره تحصیلی ابتدایی														
کتاب‌های درسی دینی (%)	۶۳/۳	۵۰	۸۳/۳	۷۹/۶	۷۹/۶	۸۲/۱	۶۴/۴	۹۳	۰	۶۷/۸	۵۰/۴			
سایر کتاب‌های درسی (%)	۳۶/۷	۵۰	۱۶/۷	۲۰/۴	۲۰/۴	۱۷/۹	۳۵/۶	۷	۱۰۰	۳۲/۲	۴۹/۶			



۱۱۳	۲۳۰	۲	۲۵۶	۷۳	۱۲۳	۱۵۲	۱۲	۱۲۸	۶۹۳	جمع فراوانی
۱۷	۱	۰	۲۲	۱	۱	۱۰	۰	۱۳	۵۹	پایه اول
۶	۴۱	۰	۳۷	۴	۳۰	۵۰	۱	۱۱	۵۸	پایه دوم
۲۹	۸۶	۱	۸۸	۵	۴۶	۳۱	۲	۵۶	۱۴۳	پایه سوم
۳۸	۵۰	۰	۶۹	۵۴	۲۱	۳۸	۱	۳۳	۱۹۶	پایه چهارم
۲۳	۵۲	۱	۴۰	۹	۲۵	۲۳	۸	۱۵	۲۳۷	پایه پنجم
										دوره تحصیلی راهنمایی
۷۵/۳	۶۱	۱۰۰	۸۹/۴	۲۹/۳	۳۴/۱	۸۲/۶	۱۰۰	۸۸/۸	۷۰/۲	کتاب‌های درسی دینی (%)
۲۴/۷	۳۹	۰	۱۰/۶	۷۰/۷	۶۵/۹	۱۷/۴	۰	۱۱/۲	۲۹/۸	سایر کتاب‌های درسی (%)
۳۳۶	۴۰۰	۱۶	۵۴۰	۵۸	۱۳۵	۳۹۶	۲۶	۱۷۹	۸۳۸	جمع فراوانی
۱۲۶	۱۳۱	۰	۲۱۰	۲۱	۷۲	۲۴۲	۲	۱۲۲	۳۲۶	سال اول
۱۳۸	۱۳۶	۰	۱۸۶	۶	۳۷	۴۳	۲۲	۲۲	۱۸۴	سال دوم
۷۲	۱۳۳	۱۶	۱۴۴	۳۱	۲۶	۱۱۱	۲	۳۵	۳۲۸	سال سوم
										دوره تحصیلی متوسطه
۶۰/۳	۴۳/۱	۵۶/۳	۵۲/۹	۷۱/۷	۴۶/۶	۵۰/۵	۳۶/۶	۵۶/۹	۳۴/۵	کتاب‌های درسی دینی (%)
۳۹/۷	۵۶/۹	۴۳/۷	۴۷/۱	۲۸/۳	۵۳/۴	۴۹/۵	۳۶/۴	۴۳/۱	۶۵/۵	سایر کتاب‌های درسی (%)
۲۲۴	۴۶۴	۳۲	۳۷۸	۹۲	۱۹۱	۴۹۳	۱۱	۱۰۹	۲۱۴۱	جمع فراوانی
۲۸	۱۵۰	۰	۱۱۴	۳۶	۵۴	۷۱	۳	۱۷	۵۱۸	سال اول
۷۱	۱۵۸	۵	۷۸	۳۱	۴۲	۱۳۱	۰	۳۹	۷۰۸	سال دوم
۱۲۵	۱۵۶	۲۷	۱۸۶	۲۵	۹۵	۲۹۱	۸	۵۳	۹۱۵	سال سوم

۳. الگوهای بازنمایی اسامی دینی و مذهبی افراد

در این تحقیق، الگوهای بازنمایی آموزه‌های مذهبی بر پایه میزان و شدت توزیع اسامی مذهبی (مانند فاطمه، زهرا، محمد و علی) و سایر اسامی، مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج این تحقیق (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که در مجموع، بیش از نیمی از اسامی افراد در کتب درسی مورد مطالعه را اسامی مذهبی تشکیل می‌دهند (حدود ۶۰ درصد). ضمن آن‌که، غلبه اسامی مذهبی به‌طور کاملاً محسوسی در کتب دینی بیشتر است تا در سایر کتب درسی (۹۰ و ۶۰ درصد). تجزیه و تحلیل این الگو بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که در کتب دینی نزدیک به ۹۰ درصد هم اسامی مردان هم اسامی زنان، مذهبی است، در حالی که در سایر کتب درسی بازنمایی اسامی مذهبی تابعی از جنسیت است

بدین معنا که غلبه‌ی اسامی مذهبی در اسامی مربوط به مردان بیشتر است تا در اسامی مربوط به زنان. مطابق یافته‌های این تحقیق، در کتب درسی کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان (به ویژه، در کتاب‌های دینی)، غلبه‌ی اسامی مذهبی همچنان مشهود است. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌های تکمیلی این تحقیق در خصوص تفاوت جنسیتی یاد شده نشان دهنده‌ی دو نکته اساسی است. اولاً، نه تنها در سایر کتب درسی کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی بلکه حتی در کتب دینی دوره‌ی ابتدایی نیز این تفاوت جنسیتی وجود دارد: زنان کمتر از مردان با استفاده از اسامی مذهبی در این کتب درسی بازنمایی شده‌اند. ثانیاً، در کتب دینی دوره‌های تحصیلی راهنمایی و دبیرستان، وضعیت معکوس آن بازنمایی شده است بدین معنا که، اسامی مذهبی در این کتاب‌ها برای زنان بیشتر است تا برای مردان.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و نسبی اسامی مذهبی و سایر اسامی افراد بر حسب مقطع تحصیلی و نوع کتاب‌های درسی

اسامی زنان			اسامی مردان			اسامی مردان و زنان			مقطع و پایه تحصیلی
فراوانی	نسبت	مذهبی	فراوانی	نسبت	مذهبی	فراوانی	نسبت	مذهبی	
کلیه دوره‌های تحصیلی									
۵۰	۱۲	۸۸	۵۴۹	۱۰/۶	۸۹/۴	۵۹۹	۱۰/۷	۸۹/۳	کتاب‌های درسی دینی
۹۴۵	۴۸/۵	۵۱/۵	۶۵۷۵	۴۰	۶۰	۷۵۲۰	۴۱	۵۹	سایر کتاب‌های درسی
۹۹۶	۴۷/۵	۵۲/۵	۷۱۲۴	۳۷/۶	۶۲/۴	۸۱۱۹	۳۸/۸	۶۱/۲	جمع
دوره تحصیلی ابتدایی									
۲۰	۲۵	۷۵	۱۶۸	۸/۹	۹۱/۱	۱۸۸	۱۰/۶	۸۹/۴	کتاب‌های درسی دینی
۳۰۳	۳۹	۶۱	۷۱۹	۲۵/۵	۷۴/۵	۱۰۲۱	۲۹/۴	۷۰/۶	سایر کتاب‌های درسی
۳۲۳	۳۸/۱	۶۱/۹	۸۸۷	۲۲/۲	۷۷/۸	۱۲۰۹	۲۶/۵	۷۳/۵	جمع
دوره تحصیلی راهنمایی									
۲۰	۵	۹۵	۱۹۷	۱۵/۷	۸۴/۳	۲۱۷	۱۴/۷	۸۵/۳	کتاب‌های درسی دینی
۱۷۶	۳۵/۲	۶۴/۸	۱۲۱۲	۲۲/۱	۷۷/۹	۱۳۸۸	۲۳/۸	۷۶/۲	سایر کتاب‌های درسی
۱۹۶	۳۲/۷	۶۷/۳	۱۴۰۹	۲۱/۲	۷۸/۸	۱۶۰۵	۲۲/۶	۷۷/۴	جمع
دوره تحصیلی متوسطه									
۱۰	۰	۱۰۰	۱۸۴	۶/۵	۹۳/۵	۱۹۴	۶/۲	۹۳/۸	کتاب‌های درسی دینی
۴۶۷	۵۹/۷	۴۰/۳	۴۶۴۴	۴۶/۸	۵۳/۲	۵۱۱۱	۴۸	۵۲	سایر کتاب‌های درسی
۴۷۷	۵۸/۵	۴۱/۵	۴۸۲۸	۴۵/۳	۵۴/۷	۵۳۰۵	۴۶/۶	۵۳/۴	جمع

۴. الگوهای بازنمایی دروس حاوی آموزش‌های مذهبی

به منظور بررسی میزان حضور دین و آموزه‌های مذهبی، محتوای دینی و مذهبی دروس کتاب‌ها به دو شیوه کلی مورد مطالعه قرار گرفته است: یکی، دروسی که به صراحت و به‌طور مستقیم به آموزش مذهبی اختصاص یافته است (مانند دروسی که به آموزش موضوعات دینی از قبیل ایمان به خدا، نماز و روزه می‌پردازند). دیگری، آن دسته از دروسی که به‌طور غیرمستقیم و ضمنی به آموزش مذهبی می‌پردازند (مانند دروسی که در قالب یک داستان، فواید ایمان به خدا یا اعتقاد به معاد را آموزش می‌دهد. مطابق نتایج این تحقیق (جدول شماره ۴)، در مجموع، حدود چهار پنجم دروس در کتب دینی و حدود یک پنجم دروس در سایر کتب درسی، دارای محتوای آموزش مذهبی (اعم از آموزش مستقیم و غیرمستقیم) می‌باشند که به وضوح نشان دهنده غلبه آموزه‌های مذهبی (حتی در کتب درسی به غیر از کتب دینی) است. به علاوه، نتایج تکمیلی این تحقیق نشان می‌دهد که، هم‌چنان‌که انتظار می‌رود، در کتب دینی، دروس حاوی آموزش‌های مذهبی غالباً به‌طور مستقیم و به صراحت بیان شده است تا به صورت غیرمستقیم و ضمنی (به ترتیب، در حدود ۷۰ درصد و ۱۰ درصد). اما در سایر کتب درسی تفاوت چشمگیری در این خصوص مشاهده نشده است بدین معنا که دروس حاوی آموزش‌های مذهبی چه به‌طور صریح و مستقیم و چه به صورت ضمنی و غیرمستقیم، کمابیش به یک اندازه (در حدود یک دهم) در این دسته از کتاب‌ها وجود دارد. این الگوها کمابیش در کتب درسی تمامی مقاطع تحصیلی ملاحظه می‌گردد و تفاوت معنی‌داری در این خصوص بین کتب درسی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مشاهده نشده است.

جدول شماره ۴: توزیع نسبی و فراوانی دروس مذهبی به تفکیک مقطع تحصیلی و عنوان کتاب‌های درسی

مقطع تحصیلی	نسبت دروس مذهبی به کل دروس کتاب	دروس حاوی آموزش دینی		فراوانی جمع
		به‌طور صریح و مستقیم	به‌طور ضمنی و غیرمستقیم	
کلیه دوره‌های تحصیلی				
کتاب‌های درسی دینی	۷۹/۶	۶۸/۲	۱۱/۴	۴۶۶
سایر کتاب‌های درسی	۱۹/۷	۱۰/۶	۹/۱	۱۱۵۱
جمع	۳۷	۲۷/۲	۹/۸	۱۶۱۷

دوره تحصیلی ابتدایی					
۳۱۷	۲۲/۴	۱۱/۴	۶۶/۲	۷۷/۶	کتاب‌های درسی دینی
۴۲۷	۸۱/۳	۸/۴	۱۰/۳	۱۸/۷	سایر کتاب‌های درسی
۷۴۴	۵۶/۲	۹/۷	۳۴/۱	۴۳/۸	جمع
دوره تحصیلی راهنمایی					
۱۰۱	۲۱/۷	۵	۷۳/۳	۷۸/۳	کتاب‌های درسی دینی
۴۶۶	۸۶/۹	۵/۶	۷/۵	۱۳/۱	سایر کتاب‌های درسی
۵۶۷	۷۵/۳	۵/۵	۱۹/۲	۲۴/۷	جمع
دوره تحصیلی متوسطه					
۴۸	۴/۲	۲۵	۷۰/۸	۹۵/۸	کتاب‌های درسی دینی
۲۵۸	۶۶/۶	۱۶/۷	۱۶/۷	۳۳/۴	سایر کتاب‌های درسی
۳۰۶	۵۶/۸	۱۸	۲۵/۲	۴۳/۲	جمع

۵. الگوهای بازنمایی ادیان و مذاهب گوناگون

در این تحقیق، چگونگی توزیع برخی از مهم‌ترین مقوله‌های مرتبط با ادیان و مذاهب گوناگون به‌طور تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این مقوله‌ها عبارتند از: مفهوم دین و مذهب، ادیان بزرگ الهی (اسلام، مسیحیت و یهود)، مذاهب اسلامی، سایر ادیان و فرقه‌های مذهبی. به‌طور کلی، یافته‌های این تحقیق (در جدول شماره ۵) نشان می‌دهد که واژه «دین» و کلمه‌های مرتبط با آن (مانند مذهب، دینی، مذهبی، ادیان و مذاهب) مجموعاً ۳۷۶ بار در کتب درسی مورد مطالعه ذکر شده است. توزیع این واژه‌ها بر حسب نوع کتاب‌ها نشان می‌دهد که اگرچه این قبیل واژه‌ها بیشتر در کتب دینی وجود دارد تا در سایر کتب درسی، اما تفاوت بین این دو دسته کتاب‌ها از این نقطه نظر چندان برجسته و چشمگیر نیست (به ترتیب، ۵۵ و ۴۵ درصد). در واقع، این نکته منعکس کننده این واقعیت است که حتی کتب درسی به غیر از کتب دینی نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای رنگ مذهبی دارند. به علاوه، نتایج تفصیلی نشان می‌دهد که به موازات افزایش پایه تحصیلی، بر تعداد واژه «دین» و کلمه‌های مرتبط با آن نیز افزوده می‌شود. این الگو در کلیه مقاطع تحصیلی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، در کتب درسی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی مجموعاً کمتر از ۱۰ بار این قبیل واژه‌ها ذکر و تکرار شده است، در حالی که، این تعداد در کتب پایه پنجم ابتدایی به‌طور چشمگیری به ۴۷ بار افزایش می‌یابد.

مطابق نتایج این تحقیق (در جدول شماره ۵)، کلیه واژه‌های مربوط به ادیان بزرگ الهی (اسلام، مسیحیت و یهود) مجموعاً ۲۰۳۳ بار در کتب درسی ذکر و تکرار شده‌اند که ۹۶ درصد آن مربوط به واژه «اسلام» و کلمات مرتبط با آن (مانند اسلامی، مسلمان، مسلمانان)، ۳ درصد آن مربوط به واژه «مسیحیت» و کلمات مرتبط با آن (مانند مسیحی، مسیحیان، شاخه‌ها و فرقه‌های مسیحیت مانند کاتولیک، ارتدوکس، پروتستان)، و ۱ درصد نیز مربوط به واژه «یهود» و کلمات مرتبط با آن (مانند یهودی، یهودیت، یهودیان) می‌باشد. مطالعه این الگوها به تفکیک نوع کتب درسی نیز نشان می‌دهد که اولاً، واژه «اسلام» و کلمات مرتبط با آن، هم در کتب دینی هم در سایر کتب درسی به تعداد بسیار زیاد، ولی با تفاوت بسیار اندک از همدیگر ذکر و تکرار شده‌اند. ثانیاً، واژه «مسیحیت» و کلمات مرتبط با آن به‌طور کمابیش یکسانی در کتاب‌های دینی و سایر کتاب‌های درسی وجود دارد، درحالی‌که واژه «یهود» و کلمات مرتبط با آن به میزان بیشتری (تقریباً دو برابر) در کتاب‌های دینی ذکر و تکرار شده است تا در سایر کتاب‌های درسی. به علاوه، مطالعه این الگوها بر حسب مقاطع و پایه‌های تحصیلی نیز نشان دهنده چند نکته اصلی است. اول آن‌که، واژه «اسلام» و کلمات مرتبط با آن در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی به میزان بیش از دوبرابر آن در کتاب‌های مقطع ابتدایی ذکر و تکرار شده است. دوم آن‌که، واژه «مسیحیت» و کلمات مرتبط با آن نیز بیشتر در کتاب‌های مقطع راهنمایی وجود دارد تا در مقاطع ابتدایی و دبیرستان، که عمدتاً ناشی از فراوانی نسبتاً قابل ملاحظه این واژه‌ها در کتاب‌های درسی تاریخ دوره راهنمایی است. این تبیین تاحدودی منعکس کننده این نکته مهم است که اساساً رویکردی که در طرح سایر ادیان از جمله مسیحیت در کتاب‌های درسی مورد مطالعه وجود دارد، بیشتر یک رویکرد تاریخی است. سوم آن‌که، واژه «یهود» و کلمات مرتبط با آن نیز اساساً در کتاب‌های درسی مقاطع بالاتر (راهنمایی و دبیرستان) وجود دارد زیرا در مقطع دبستان تقریباً ذکری از آن نشده است. چهارم آن‌که، نتایج این تحقیق نشان دهنده الگوی بسیار جالب توجهی در خصوص همبستگی بسیار معنی‌داری بین پایه تحصیلی و چگونگی توزیع فراوانی واژه «اسلام» و کلمات مرتبط با آن در کتاب‌های درسی است: به موازات افزایش پایه تحصیلی، به‌طور بسیار چشمگیری بر تعداد این قبیل واژه‌ها نیز افزوده می‌شود. گفتنی است که این الگو در کتاب‌های درسی تمامی مقاطع تحصیلی ملاحظه شده است. به عنوان مثال، در کتاب‌های درسی پایه‌های اول تا دوم ابتدایی مجموعاً کمتر از ۱۰ بار واژه «اسلام» و کلمات مرتبط با آن ذکر و تکرار شده است، درحالی‌که،

این تعداد در پایه‌های تحصیلی بالاتر سیر تصاعدی طی نموده و نهایتاً در کتاب‌های درسی پایه پنجم ابتدایی به‌طور چشمگیری به ۲۶۱ بار افزایش می‌یابد.

بالاخره، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق در خصوص بازنمایی سایر ادیان و مذاهب در کتاب‌های درسی نشان‌دهنده چند نکته مهم است. اولاً، واژه‌های مرتبط با مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) مجموعاً ۶۲ بار در کتاب‌های درسی مورد مطالعه ذکر و تکرار شده است که در حدود چهار پنجم آن مربوط به واژه «شیعه» و کلمات مرتبط با آن (مانند تشیع، شیعی، شیعیان) و یک چهارم باقیمانده مربوط به واژه «سنی» و کلمات مرتبط با آن (مانند تسنن، اهل سنت) می‌باشد. ثانیاً، کلمات مرتبط با واژه «زرتشت» و کلمات مرتبط با آن (مانند زرتشتی، زرتشتیان) نیز مجموعاً ۴۲ بار در کتاب‌های درسی مورد مطالعه ذکر و تکرار شده است. تجزیه و تحلیل‌های تکمیلی این تحقیق نشان می‌دهد که این واژه بیشتر در کتاب‌های درسی تاریخ دوره راهنمایی وجود دارد. این نکته نشان می‌دهد که این واژه نیز در کتاب‌های درسی بیشتر به عنوان یک موضوع اجتماعی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته است تا به عنوان موضوع دینی و مذهبی. در نهایت، سایر ادیان و مذاهب که در کتاب‌های درسی بازنمایی شده‌اند، عبارتند از کلمه‌های ارمنی، آشوری و کلیمی (۴ بار) و همچنین واژه‌های بودایی و برهمایی (۸ بار) که آنها نیز عمدتاً در کتاب‌های درسی تاریخ و براساس رویکردی تاریخی ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی کلمات و واژه‌های ادیان و مذاهب به تفکیک مقطع و پایه تحصیلی و کتاب‌های درسی

مقطع و پایه تحصیلی	دین، مذهب	اسلام	شیع	سنن	مسیحیت	یهودیت	زرتشت	کلیمی، ارمنی، آشوری، برهمایی، ...	سایر (بودایی، ...)
کلیه دوره‌های تحصیلی									
کتاب‌های درسی دینی (%)	۵۴/۸	۴۹/۴	۶۶	۹۱/۷	۴۹/۲	۶۵	۹/۵	۰	۰
سایر کتاب‌های درسی (%)	۴۵/۲	۵۰/۶	۴۴	۸/۳	۵۰/۸	۳۵	۹۰/۵	۱۰۰	۱۰۰
جمع فراوانی	۳۷۶	۱۹۴۸	۵۰	۱۲	۶۵	۲۰	۴۲	۴	۸
دوره تحصیلی ابتدایی									
کتاب‌های درسی دینی (%)	۳۶/۶	۲۴/۹	۴۴/۴	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
سایر کتاب‌های درسی (%)	۶۳/۴	۷۵/۱	۵۵/۶	۱۰۰	۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جمع فراوانی	۷۱	۴۱۰	۹	۰	۷	۰	۸	۰	۰
پایه اول	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۶	پایه دوم
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۵	۲	پایه سوم
۰	۰	۷	۰	۰	۰	۰	۹۵	۱۶	پایه چهارم
۰	۰	۱	۰	۷	۰	۹	۲۶۱	۴۷	پایه پنجم
دوره تحصیلی راهنمایی									
۰	۰	۴/۳	۵۰	۳۱/۳	۹۰	۷۰/۸	۶۰/۴	۶۸	کتاب‌های درسی دینی (%)
۱۰۰	۱۰۰	۹۵/۷	۵۰	۶۸/۷	۱۰	۲۹/۲	۳۹/۶	۳۲	سایر کتاب‌های درسی (%)
۸	۳	۲۳	۶	۴۸	۱۰	۲۴	۱۰۷۴	۲۲۲	جمع فراوانی
۲	۰	۱۴	۱	۲۷	۱	۲	۲۸۸	۶۷	سال اول
۴	۰	۰	۱	۱۴	۰	۲	۳۵۹	۵۷	سال دوم
۲	۳	۹	۴	۷	۹	۲۰	۴۲۷	۹۸	سال سوم
دوره تحصیلی متوسطه									
۰	۰	۲۷/۳	۷۱/۴	۱۰۰	۱۰۰	۷۰/۶	۴۵/۵	۳۴/۹	کتاب‌های درسی دینی (%)
۱۰۰	۱۰۰	۷۲/۷	۲۸/۶	۰	۰	۲۹/۴	۵۴/۵	۶۵/۱	سایر کتاب‌های درسی (%)
۰	۱	۱۱	۱۴	۱۰	۲	۱۷	۴۶۴	۸۳	جمع فراوانی
۰	۱	۰	۶	۰	۰	۱	۸۷	۱۲	سال اول
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۱	۲۶	سال دوم
۰	۰	۱۱	۸	۱۰	۲	۱۶	۳۰۶	۴۵	سال سوم

داده‌های این جدول به دو صورت ارائه شده است: مورد اول، مربوط به «جمع فراوانی» است که فراوانی مطلق می‌باشند. مورد دوم، مربوط به سایر اعداد این جدول می‌باشد که به صورت فراوانی نسبی (درصدی) است و نشان‌دهنده چگونگی توزیع نسبی (درصدی) هر یک از واژه‌های کلیدی این جدول به تفکیک کتب دینی و سایر کتب درسی می‌باشد. به عنوان مثال، کلمات و واژه‌های مرتبط با «تشیع» مجموعاً به تعداد ۵۰ بار در کتب درسی این تحقیق ذکر شده است که از این تعداد ۶۶ درصد آن در کتب دینی و ۴۴ درصد باقیمانده در سایر کتب درسی ذکر شده‌اند. هم‌چنین، از مجموع تعداد دفعاتی که کلمات و واژه‌های مرتبط با «تسنن» در کتب این تحقیق ذکر شده است (یعنی، ۱۲ بار)، ۹۱/۷ درصد آن در کتب دینی و ۸/۳ درصد باقیمانده آن در سایر کتب درسی ذکر شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، مهم‌ترین الگوها و ویژگی‌های مرتبط با بازنمایی آموزه‌های مذهبی در کتب درسی مدارس ایران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که کتب درسی به عنوان یک ابزار مناسب «استراتژی جامعه‌پذیری» (پلوس، ۲۰۰۷) و به عنوان مکانیسم رسمی بازنمایی «انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی» (اونس و داویس، ۲۰۰۰؛ تیلور، ۲۰۰۳) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یکی از بارزترین یافته‌های این تحقیق در تایید این الگو، غلبه به مراتب برجسته‌تر و پررنگ‌تر تصاویر عبادت (به ویژه، نماز و روزه) در کتب درسی دوره ابتدایی نسبت به دوره‌های تحصیلی بالاتر است که به خوبی استانداردهای فرهنگی مرتبط با ضرورت فراگیری فرایض دینی عبادی در سنین دبستان را منعکس می‌کند. مطابق یافته‌های این تحقیق، حضور و غلبه دین و آموزه‌های مذهبی نه تنها در کتب درسی دینی بلکه حتی در سایر کتب درسی نیز بسیار قابل ملاحظه است، به طوری که مفاهیم و واژه‌های کلیدی مرتبط با دین و مذهب به ویژه واژه‌هایی همچون «خدا» و «دین» به‌طور گسترده و کمابیش یکسانی هم در کتب درسی دینی هم در سایر کتب درسی حضور دارند. ضمن آن‌که به موازات افزایش پایه تحصیلی، رنگ مذهبی در کتب درسی نیز به طور معنی‌داری شدت می‌گیرد. تجزیه و تحلیل‌های تطبیقی این تحقیق نشان می‌دهد که دین مقدس اسلام و پیامبر گرامی اسلام (ص)، به طور کاملاً برجسته‌تری در کتب درسی بازنمایی شده‌اند. در ضمن، به موازات افزایش پایه تحصیلی، حضور برتر دین اسلام در تمامی کتب درسی مورد مطالعه نیز به‌طور فزاینده‌ای محسوس‌تر و مشهودتر می‌شود. درحالی‌که، سایر ادیان و مذاهب عمدتاً در کتب درسی تاریخ مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌تواند تا حدودی مبین این واقعیت باشد که به سبب غلبه یک رویکرد تاریخی، سایر ادیان بیشتر به عنوان یک موضوع تاریخی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا به عنوان موضوع دینی و مذهبی. الگوی به مراتب قابل تأمل‌تر در این تجزیه و تحلیل‌های تطبیقی، این نکته است که به ویژه در کتب درسی دینی دوره ابتدایی، کتاب مقدس مسلمانان «قرآن» به میزان چشمگیری (در حدود ۲۳۸ بار) ذکر و تکرار شده است، اما تقریباً ذکری از «اسامی سایر کتب آسمانی» نشده است. بدین ترتیب، با توجه به این‌که عنوان کتاب‌های دینی در دوره ابتدایی، «هدیه‌های آسمانی» است، توصیه می‌شود یا در عنوان این کتاب‌های درسی تجدید نظر شود و به «هدیه آسمانی» تغییر نام یابد و یا این‌که،

محتوای این کتاب‌ها مورد تجدید نظر واقع شود و اسامی سایر کتاب‌های آسمانی به طور متناسب‌تری مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

نکته پایانی این که، «نتیجه و محصول فرآیند جامعه‌پذیری» که در مدل میچنر و همکاران (۱۹۹۰) نیز به آن اشاره شد، مستلزم انجام تحقیقات جداگانه و معطوف به ارزشیابی فرآیند جامعه‌پذیری هویت دینی می‌باشد. براساس مطالعات تکمیلی جدیدتر می‌توان نشان داد که این شیوه‌های جامعه‌پذیری هویت دینی افراد (که در این تحقیق، در قالب الگوهای بازنمایی آموزه‌های مذهبی از طریق مکانیسم رسمی آموزش مدرسه‌ای مشخص شد) تا چه میزان از کارآیی و پایداری مناسب در زندگی فردی و اجتماعی آینده آنها برخوردارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ایمانی، محسن و مظفر، محمد (۱۳۸۳)؛ تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان و کتاب کار پایه دوم دبستان، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، س ۳، ش ۷، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و هاتفی، حمیده (۱۳۸۷)؛ پوشش زنان در سینمای پس از انقلاب اسلامی، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۴، ش ۱۱، صص ۶۳-۷۶.
- حسن‌زاده، مهدی و علمی، قربان (۱۳۸۶)؛ منشأ دین از دیدگاه پیتر ال. برگر، *مقالات و بررسی‌ها*، ۴۰ (۸۳): صص ۶۷-۸۶.
- حکیم‌زاده، رضوان و موسوی، سیدامین (۱۳۸۷)؛ *آموزش ارزش‌ها در محتوای کتاب‌های درسی دینی دوره راهنمایی: مطالعات برنامه‌درسی*، س ۳، ش ۱۱، صص ۹۵-۱۱۷.
- شجاعی‌زند، علیرضا و همکاران (۱۳۸۵)؛ بررسی وضعیت دین‌داری در بین دانشجویان، *مطالعات دینی*، س ۷، ش ۲۶، صص ۵۵-۸۰.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۷)؛ «جامعه‌شناسی دین و جنسیت: بررسی تئوریک و تجربی با تأکید بر اشتغال زنان»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، س ۱۶، ش ۶۳، صص ۱۰۷-۱۳۱.
- (۱۳۸۸)؛ «زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره پیاپی ۱۴، صص ۹۱-۱۱۰.
- (۱۳۸۹)؛ «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران»، *زن در توسعه و سیاست* (پژوهش زنان)، دوره هشتم، ش ۳، صص ۱۹۵-۲۱۶.
- (۱۳۹۰)؛ «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران»، *زن در توسعه و سیاست* (پژوهش زنان)، دوره نهم، ش ۲، صص ۳۹-۸۰.
- (۱۳۹۰)؛ «زنان و زبان: بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران»، *مطالعات زنان*، س ۹، ش ۲، صص ۱۶۱-۱۸۱.
- (۱۳۹۰)؛ شکاف نسلی مرتبط با نقش‌های جنسیتی و تحولات جمعیتی در ایران، *پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان*، س ۱، ش اول، صص ۱۱۹-۱۴۴.
- (۱۳۹۱)؛ «بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۳، ش ۵۰ (۲): صص ۷۳-۹۶.
- موسی‌پور، نعمت‌اله و درتاج، فریبا (۱۳۸۷)؛ ارزشیابی پویانمایی‌های دینی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، *تحقیقات فرهنگی*، س ۱، ش ۲، صص ۱۵۷-۱۸۲.
- مهرمحمدی، محمود و صمدی، پروین (۱۳۸۲)؛ بازنگری در الگوی دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه، *نوآوری‌های آموزشی*، س ۲، ش ۳، صص ۹-۳۴.
- میرعارفین، فاطمه‌سادات (۱۳۸۶)؛ نقد و ارزیابی کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، س ۳، ش ۱-۲، صص ۸۷-۱۱۹.
- Arbuthnot, M. H. (1984); *Children and Books*, Chicago, Scott Foresman & Company.
- Berg, B. L. (2001); *Qualitative research method for the social sciences*, 4th ed. Boston, MA: Allyn&Bacon.
- Berger, P. L. (1967); *The sacred canopy*, Garden city, New York: Doubleday.

- Collet Sabe, J. (2007); "The crisis in religious socialization", *Social Compass*, 54(1):97-111.
- Cornwall, C. (1987); "The social bases of religion: a study of factors influencing religious beliefs and commitment", *Review of Religious Research*, 29: 44-56.
- Foroutan, Y. (2008); "Women's employment, religion and multiculturalism: socio-demographic Emphasis", *Journal of Population Research*, 25(1): 163-190.
- ----- (2009); "Gender and religion: The status of women in the Muslim world", In P. Clarke and P. Beyer (Eds.), *The World's Religions: Continuities and Transformations*, London: Routledge Publication..
- ----- (2009); "Religion, Migration and Social Change: Christian-Muslim Differentials", *Australian Religion Studies Review*, Vol. 22, Issue 3, PP 295-321.
- ----- (2011); *The Portrayal of Religious Teachings in the Books: A Case Study*, Paper presented to the 31st International Conference of International Society for Sociology of Religion, Aix-en-Provence, France, June 30 –July 3.
- ----- (2012); "Content Analysis of Religious Education in the Islamic Republic of Iran", IN: *Society, the State and Religious Education Politics*, Ergon Publishing House, Würzburg, Germany, PP 49-67.
- ----- (2012); "Gender Representation in School-textbooks in Iran: The Place of Languages", *Current Sociology*, Vol. 60, Issue 6, PP 771-787.
- Hamplova, D. and Nespov, Z. R. (2009); Invisible religion in a non-believing country: the case of the Czech Republic, *Social Compass*, Vol. 56, no. 4 :581-597.
- Himmelfarb, H. S. (2005); Agents of religious socialization among American Jews, *Sociological Quarterly*, Vol. 20, Issue 4, PP 477-494.
- Hunsberger, B. and Brown, L. B. (1984); Religious Socialization, apostasy, and the impact of family background, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 23, no. 3, PP 239-251.
- Inskip K. W. (1988); *Religious Socialization*, Office for Research, Planning and Evaluation, Evangelical Lutheran Church in America.
- Jarvis, P. (1974); Religious socialization in the junior school, *Educational Research*, Vol. 16, Issue 2: 100-106.
- Levitt, M. (1995); Sexual identity and religious socialization, *British Journal of Sociology*, 46(3): 529-536.
- Mead, G. H. (1934); *Mind, Self, and Society*, University of Chicago Press.
- Michener, H. A., et al. (1990); *Social Psychology*, Second edition, New York: Harcourt Brace Jovanovich
- Pluss, C. (2007); Analysing non-doctoral socialization:, *British Journal of Sociology*, Vol. 58, Issue 2, PP 253-275.
- Regnerus, M. D. (2000); Shaping schooling success: Religious socialization and educational outcomes in Metropolitan public school, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 39, no. 3, PP 363-378.